

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

شَل و شَت

امشب دلم ز لعل لب او عسل شده
از بسکه از لبش طلب بوسه می‌کنم
نیوَد خــــل پذیر بنای محبتم
او بر سریر ناز نشسته است و اشک من
از گرمی محبت آن سیمبر به من
سرنامه شکایت عشاق در غمش
بسیار تلخ و تند شنیدم ز مردمان
چون کوه صبر با همه بر خورد کرده ام
برخیز ای رقیب ز بزم نشاط او
درد و غم وطن به دلم خانه کرده است
گرچه یگانه قدرت دوران بود و لیک
این لقمه بزرگ دهن پاره می‌کند
هرکس که پازروی طمع پیش کرده است

یعنی که یک دو بوسه گک بی خلل شده
یار از شنیدن سخن من گسل شده
گرچه درین زمانه همه پر خلل شده
جاری به پیش پای سفیدش چونل شده
بنگر چه آتشی به دل خلق بل شده
بالله که چند دوسیه و پارسل شده
صدبار، ریز بر سر من مثل جل شده
صبر و گذشت من به عزیزان مثل شده
کز چهره تو محفل دلبر چتل شده
غمنامه فراق، دو چندان دبل شده
نافش به خاک توده افغان ختل شده
نشنیده است، روس چسان حل و مل شده
در قسمتش خجالت و مرگ و اجل شده

درد دل «اسیر» رسیده به دست و پا

در بستر اوفتاده و بیچاره شل شده

(بن - المان، آگست ۲۰۰۰م)